

موضوع: پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و آزار عاطفی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی

Predicting women's marital burnout based on communication patterns, marital conflicts and emotional harassment with respect to the moderating role of empirical avoidance

بیان مساله:

ازدواج که تجارب مشترکی را بین زن و شوهر ایجاد می کند، گاهی ممکن است منجر به بروز اختلافاتی در کیفیت روابط زناشویی شود (بیم، مارکوز، تورخیمر و امری^۱، ۲۰۲۰). وجود ناسازگاری در ازدواج و رابطه زناشویی از مهم ترین عوامل بروز تنش، سردی روابط، گسیختگی انسجام و وحدت خانواده و در نتیجه ایجاد کانونی که نه تنها نمی تواند نیازهای عاطفی، روانی و امنیتی اعضای خود را برآورده سازد، که باعث بروز آشفتگی روانی، ناراحتی ها و مشکلات روانی در اعضا گردیده و سلامت روانی آنها را به خطر می اندازد (احمد^۲ و رید^۳، ۲۰۱۸).

یکی از این آشفتگی ها و نابهنجاری های روان شناختی که به مرور زمان عشق و علاقه بین زوجین را کم رنگ تر کرده و گاهی به طور کامل محو می کند و موجبات مشکلات روحی و روانی، ادامه ی روابطی سرد و بی تفاوتی (طلاق عاطفی) و طلاق رسمی آنها را فراهم می کند، فرسودگی زناشویی^۴ است (پوکورسکا، فارل، ایوان شیتزکی و پیلای^۵، ۲۰۱۹). پاینز، نیلی، هامر و آیسکسن^۶ (۲۰۱۱)، فرسودگی زناشویی عنوان یک حالت خستگی جسمانی، عاطفی و روانی که در شرایط درگیری طولانی مدت همراه با مطالبات عاطفی ایجاد می

¹ Beam CR, Marcus K, Turkheimer E, Emery RE

² Ahmad, S

³ Reid, D.W

⁴ marital disaffection

⁵ . Pokorska, Farrell, Evanschitzky, & Pillai

⁶ .Pines, Neal, Hammer& Icekson

شود، می دانند. در این تعریف، خستگی جسمانی با کاهش انرژی، خستگی مزمن، ضعف و تنوع وسیعی از شکایت های جسمی و روان تنی مشخص می شود. در حالیکه خستگی عاطفی شامل احساسات درماندگی، ناامیدی و فریب می شود. خستگی روانی به رشد نگرش منفی نسبت به خود، کار و زندگی برمی گردد.

اینکه عوامل دزدگی چیست و آیا ممکن است ارتباط زوجین که دچار دزدگی شده اند را به ارتباطی عاشقانه و کارآمد تبدیل کرد، تحقیقات انجام شده به عوامل چندی اشاره کرده اند که در این زمینه می توان به تصورات رویارویی از عشق (پاینز، ۱۹۹۶)، عدم توانایی حل تعارضات زناشویی و اثرات زیان بار آن بر سلامت فیزیکی و عاطفی زوجین (ماهونی^۱، ۲۰۱۶؛ اوزکیو و تانریوردی^۲، ۲۰۲۱) که می تواند موجب ایجاد دامنه ای از مشکلات رفتاری و هیجانی کودکانی شود که در معرض تعارضات والدین هستند (هیندمن^۳، ۲۰۱۲)، زوال خانواده گسترده، تغییر نقش های زن و مرد (پاینز، ۱۹۹۶) و باورهای ارتباطی (پیترموناکو و اورال^۴، ۲۰۲۱) اشاره کرد. از جمله عوامل دیگری که می تواند در فرسودگی زناشویی تاثیر داشته باشد، الگوهای ارتباطی زوجین و سبک های حل تعارض است که در فرسودگی زناشویی به طور مستقیم به آن پرداخته نشده است.

یکی از راههای نگرستن به ساختار خانواده این است که به کانالهای ارتباطی که از طریق آنها با هم دیگر به تعامل می پردازند، پرداخته شود. به آن دسته از کانالهای ارتباطی که به وفور در یک خانواده اتفاق می افتد، الگوهای ارتباطی گفته می شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ پیترموناکو و اورال، ۲۰۲۱).

مدل ها و نظریه های گوناگونی، الگوهای ارتباطی زوجین را تبیین می کنند که در میان آنها به الگوی ارتباطی کریستنسن و سالوای پرداخته می شود. کریستنسن و شنک^۵ (۱۹۹۹) سه الگوی ارتباطی بین زوجین را معرفی کرده اند که عبارتند از: الگوی ارتباط سازندهی متقابل؛ در طی آن هر کدام از زوجین سعی می کنند در مورد مشکل ارتباطی خود بحث و گفتگو کنند، احساساتشان را نسبت به هم ابراز نمایند و برای مشکل ارتباطی، پیشنهاد راه حل و مذاکره بدهند و هر دو احساس می کنند که همدیگر را درک می کنند. الگوی ارتباط

¹ Mahoney, K. R

² Özgüç, S & Tanrıverdi, D

³ Hindman, D. W

⁴ Pietromonaco, P. R & Overall, N. C

⁵ Henk & Chrstenses

اجتناب متقابل؛ در طی آن زوجین هر دو سعی می کنند از بحث کردن درباره ی مشکل دوری گیرند. در این زمان زوجین از برقراری ارتباط با یکدیگر خودداری می کنند و زندگی به شکل موازی با یکدیگر بوده و ارتباط آنها در حداقل ممکن است یا اصلا وجود ندارد. الگوی ارتباط توقع از کناره گیری؛ این الگو شامل دو قسمت "توقع مرد/ کناره گیری زن" و "توقع زن/ کناره گیری مرد" است. این الگو یکی از رایج ترین الگوهای ارتباطی زوجین بوده و تقریبا تمام نظریه پردازان زوج درمانی به آن اشاره نموده اند. این الگو به شکل یک چرخه بوده که با افزایش یکی، دیگری افزایش یافته و تشدید این الگو منجر به مشکلات دائم زناشویی می شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳).

کریستنسن و شنک^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشهای خود الگوی توقع / کناره گیری را با نارضایتی، افسردگی و طلاق مرتبط دانسته اند. گاتمن و لوینسون^۲ (۲۰۰۰) الگوهای ارتباطی زوجین را یکی از پیش بینی کننده های قوی طلاق در ۷ سال اول ازدواج می دانند. لورنتز^۳ (۲۰۰۲) در یک مطالعه طولی ارتباط بین توقع کناره گیری و تغییرات رضایت را در ۴۶ زوج مورد بررسی قرارداد. نتایج حاکی از همبستگی بین الگوی توقع / کناره گیری و عدم رضایت زناشویی بود که تا حدی دوام پیدا می کند.

یکی دیگر از عواملی که می تواند فرسودگی زناشویی را تحت تاثیر قرار دهد تعارض زناشویی^۴ است (هادیان و امینی، ۱۳۹۸). البته مهم تر از وجود تعارض، شیوه های حل تعارض زن و شوهر است که عامل تضاد یا تداوم زندگی زناشویی است. چنانچه تحقیق آبراهام و براین (۲۰۰۰) نشان می دهد، سبک مدیریت تعارض مشارکتی با هر دو رضایت زناشویی و رضایت از همسر همبستگی مثبت بالایی دارد. هر زمانی که یکی یا هر دو همسر از سبک مدیریت تعارض رقابتی استفاده می کردند، سطح پایین رضایت زناشویی گزارش می کردند.

عدم توافق در هر رابطه زناشویی طبیعی است. پژوهش ها نشان داده اند که اگر زوج ها بتوانند به شیوه مثبتی تعارضات را مدیریت کنند و توانایی حل آن را داشته باشند، وجود تعارض فراوان آسیب زا نیست

¹ Christensen, A., & Shenk, J. L

² Gottman, J., & Levenson, R. W

³ Lorentz, C. D

⁴ Marital Conflict

(سیفرتز^۱ و شوارتز^۲، ۲۰۱۹). وجود تعارض در روابط انسان ها به ویژه زوج ها امری شایع است (شفیعی نیا، ۱۳۸۱). بنابراین تعارض همیشه منفی نیست، بلکه روشی که زوج ها برای مدیریت تعارض خود بکار می برند، ممکن است بر رابطه تاثیر منفی داشته باشد (گاتمن و سیلور، ۱۹۹۹). زوجینی که می توانند تعارضات موجود در رابطه را به کارگیری روشهای مثبت و استفاده کمتر از تعاملات منفی مدیریت کنند، فضایی ایجاد می کنند که در آن فرصت بیشتری برای خودافشایی و توافق در مورد مشکلات وجود خواهد داشت (جوهانسون^۳، ۲۰۰۳).

نتایج پژوهش های گوناگون بر نقش برجسته تعارض زناشویی در بروز فرسودگی زناشویی تاکید داشته اند (بیردیت، براون، اوربوچ و مک لوان^۴، ۲۰۱۰؛ حکیمی تهرانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ محسن زاده، نظری و عارفی، ۱۳۹۰؛ هادیان و امینی، ۱۳۹۸؛ حمدشارونی، شکری، حسین زاده، تقوایی، دانش و برجعلیه، ۱۳۹۹). باری^۵ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیق خود نشان دادند که تعارض زناشویی با سلب امکان موقعیت های صمیمانه در روابط، در تسریع فرایند دلزدگی زناشویی موثر است.

در کنار عوامل که گفته شد آزار عاطفی یکی دیگر از عواملی است که در فرسودگی زناشویی تاثیر دارد (الابی و رامسدن^۶، ۲۰۲۱). خشونت شریک زندگی، که اغلب به آن «آزار شریک زندگی» و «خشونت خانگی» گفته میشود، معمولاً به عنوان آزار در چارچوب یک رابطه صمیمی توصیف می شود (اوزال^۷، ۲۰۱۸). این خشونت یک تجربه ویران کننده است که بخش قابل توجهی از جمعیت جهانی را تحت تاثیر قرار می دهد (بوشونگ^۸، ۲۰۱۸). همچنین خشونت شریک زندگی یک نقض حقوق بشر و مسئله بهداشت عمومی در سراسر جهان تلقی می شود (کاراکولت و سیلور^۹، ۲۰۱۹) آزار خانگی در تعدد روابط رخ می دهد و انواع مختلفی از آزار را در بر می گیرد (فرانسیس و پیرسون^{۱۰}، ۲۰۱۹) و شامل آزار عاطفی، روانشناختی، جسمی و /

¹ Siffert, A

² Schwarz, B

³ Johanson, S.M

⁴ Birditt, K. S., Brown, E., Orbuch, T. L., & McIlvane, J. M

⁵ Barry, R. A

⁶ Alabi, T & Ramsden, M J

⁷ Ozalas B

⁸ Bushong K G

⁹ Karakurt G, Silver K E

¹⁰ Francis L, Pearson D

یا جنسی است (کلیک، اسچوفیلد، الکسین و بیکردایکی^۱، ۲۰۱۸). آزار عاطفی یکی از رنج های مربوط به تعاملات زوجین (فولینگاستید، کوینی و گامبونی^۲، ۲۰۱۵) و رایج ترین شکل آزار شریک زندگی است که به آن پرخاشگری روانی، خشونت، سوء استفاده یا آزار نیز گفته می شود (اوزال، ۲۰۱۸) آزار عاطفی نوعی خشونت بین فردی است که شامل تمام اشکال خشونت غیر جسمی و پریشانی ناشی از اقدامات کلامی و غیر کلامی می شود (موگلیا^۳، ۲۰۱۵) و می تواند شامل اشکال ناهنجاری، تلاش برای منزوی کردن شریک زندگی و تضعیف عزت نفس همسر باشد (روهدهز، پوتوکی و مسترسون^۴، ۲۰۱۸). آزار عاطفی به عنوان تحقیر، کنترل رفتار، اجبار مالی، انزوا و رفتار تهدید آمیز تعریف می شود (بوشونگ، ۲۰۱۸). در درک آزار عاطفی به عنوان یک سازه، جدا از آزار جسمی، تأکید فراگیر وجود دارد (کاراکولت و سیلور^۵، ۲۰۱۹).

با توجه به پژوهش های فوق به نظر می رسد الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و آزار عاطفی از جمله عوامل پیش بینی کننده فرسودگی زناشویی باشد. به هر حال علی رغم بررسی های فراوان ذکر شده راجع به رابطه الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و آزار عاطفی با فرسودگی زناشویی، نقش عوامل تعدیل کننده دخیل در این رابطه اغلب مورد غفلت واقع شده است که پژوهش حاضر نقش اجتناب تجربی را به عنوان تعدیل کننده این ارتباط مورد بررسی قرار می دهد.

اجتناب تجربی^۶ سازه ای است که به منظور اجتناب از تجارب دردناک و وقایعی استفاده می شود که باعث فراخواندن این تجارب می شوند. همچنین بی میلی نسبت به برقراری تماس با تجارب شخصی شامل ارزیابی منفی افراطی از حس ها، احساسات و افکار خصوصی ناخواسته و فقدان تمایل به تجربه کردن این رویدادهای خصوصی و تلاش های عمادی برای کنترل با فرار از آن ها می شود، این شکل از اجتناب شامل فروتنانی فکر و هیجان، مقابله اجتنابی و ارزیابی مجدد می شود (هرشنبرگ، موندادی، رایت و تاس^۷، ۲۰۱۹). تمایل همیشگی و مداوم فرد به تجربه افکار و احساس های ناراحت کننده و اجتناب و ممانعت از تجربه های مرتبط

¹ Cleak H, Schofield M, Axelsen L, Bickerdike A

² Follingstad D R, Coyne S, Gambone L

³ Moglia P

⁴ Rhodes N, Potocki B, Masterson D S

⁵ Karakurt G, Silver K E

⁶ experiential avoidance

⁷ Hershenberg, R., Mavandadi, S., Wright, E. and Thase, M. E

با طیف گسترده ای از مشکلات مرتبط است (برمن، وباتون، مک گراس و آبراموویتز^۱، ۲۰۱۰)، ابعاد اجتناب تجربی شامل اجتناب موقعیتی و آشکار از ناراحتی های جسمانی و پریشانی؛ پریشانی گریزی به شکل ارزیابی و نگرش های منفی نسبت به پریشانی و پریشانی غیر قابل پذیرش؛ تعویق به شکل به تعویق انداختن پریشانی پیش بینی شده؛ حواسپرتی فرونشانی به شکل تلاش برای نادیده گرفتن یا سرکوب پریشانی؛ انکار سرکوبی به شکل فاصله گرفتن از پریشانی و عدم آگاهی نسبت به پریشانی؛ و نیز تحمل پریشانی به شکل تمایل به رفتار موثر در برابر پریشانی است (گامز، چمیلسکی، کتوو، راجرو و واتسون^۲، ۲۰۱۱)، پژوهش ها نشان می دهند اجتناب تجربی بیش تر از این که اختلال هیجانی باشد، می تواند در سبب شناسی دوره های اختلال های هیجانی دخیل باشد (محمد خانی، عباسی، پورشهبازه محمدی و فاتحی، ۲۰۱۶) به عنوان مثال باردین و فرگوس^۳ (۲۰۱۶) در یافتند افرادی که نمره اجتناب تجربی بالایی دارند، آشفتگی روان شناختی از جمله افسردگی و اضطراب بیشتری را تجربه می کنند. نعمتی، منتظری و سلطانی زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که اجتناب تجربی پیش بینی کننده دلزدگی زناشویی است.

بنابراین با توجه به آنچه که گفته شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا اجتناب تجربی در پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و آزار عاطفی نقش تعدیل کننده دارد؟

اهمیت و ضرورت:

خانواده در زمره مهمترین سیستمهای اجتماعی است که براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، قانون رشد و تکامل، التیام و شفا دهندگی و تغییر و تحول آسیب ها و عوارض است که هم بستر شکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش می باشد (شجاع کاظمی و سیف، ۱۳۸۹).

¹ Berman, N. C., Wheaton, M. G., McGrath, P., & Abramowitz, J. S

² Gámez, W., Chmielewski, M., Kotov, R., Ruggero, C., & Watson, D

³ Bardeen, J. R., & Fergus, T. A

دلزدگی زناشویی که درمانگران مکرراً با آن مواجه می شوند، مشکلی است که در ۲۰ درصد از همه زوج ها در هر زمانی دیده می شود (لبو، چامبرز، چریستنسن، جوهانسون^۱، ۲۰۱۲) نه تنها بر جامعه بلکه بر افراد نیز تأثیر می گذارد. مطالعات بسیاری در ادبیات پژوهشی راجع به پیامدهای دلزدگی وجود دارد. طبق این تحقیقات مشخص گردید که دلزدگی با متغیرهای منفی بسیاری همچون افسردگی (گیتو، ایهارا، اوگاتا^۲، ۲۰۱۳؛ فیونتی-سولانا، گومز-یورکیوزا، کانداس، آلبندین-گارسیا و فوانتی^۳، ۲۰۱۷)، استرس (کیم و لی^۴، ۲۰۱۳)، سطح پایین رضایت از زندگی (کوزاک، کیراستین، اسچیمولر و نینهوس^۵، ۲۰۱۳)، و سطوح پایین رضایت زناشویی (اسچوفیل، باکر، واندر، پارینز^۶، ۲۰۰۹) مرتبط است. مشکلات فیزیکی و هیجانی مانند خستگی، کمبود خواب، کاهش اشتها، سردرد، مشکلات گوارشی، افسردگی، اضطراب، ناامیدی، فقدان احترام به خود، حساسیت زیاد و گریه کردن اغلب در افراد مبتلا به نشانگان دلزدگی ملاحظه می شود (اسکواریز، لوبدل، فانن، دیمایو^۷، ۲۰۱۷).

جدیدترین آمارها نشان می دهد که میزان طلاق در غرب به ویژه آمریکا رو به افزایش است. به گونه ای که در این کشورها ۴۰ تا ۵۰٪ ازدواج ها به طلاق ختم می شود (انجمن روان شناسی آمریکا، ۲۰۱۳؛ ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۳). بعد از طلاق نیز حدود ۶۵/۵٪ از زنان و ۷۰٪ مردان مجدد ازدواج کرده و حدود ۵۰٪ از افرادی که برای بار دوم ازدواج کرده اند، دوباره طلاق می گیرند (گاتمن^۸، ۱۹۹۴). در ایران نیز آمارها سیر صعودی طلاق را نشان می دهد. چرا که نرخ طلاق در ۴ ماه نخست ۱۳۹۱ نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۰ رشد ۱۰ درصدی داشته است. در حالی که نرخ رشد ازدواج ۳٪ افزایش یافته و نرخ رشد طلاق ۳ برابر نرخ رشد ازدواج بوده است (مرکز آمار ثبت احوال، ۱۳۹۱؛ به نقل از عبادت پور و همکاران، ۱۳۹۲). سیر صعودی آمار طلاق و وجود تعارضات و آشفتگی های روابط زوجین، انگیزه ی محققان برای یافتن عوامل کوثر و راهکارهای مناسب جهت مقابله با این فروپاشی رابطه افزایش داده است.

¹ Lebow, Chambers, Christensen, Johnson

² Gito, Ihara, Ogata

³ Fuente-Solana, Gómez-Urquiza, Cañadas, Albendín-García, Fuente

⁴ Kim J-S, Lee Y-S

⁵ Kozak, Kersten, Schillmoller, Nienhaus

⁶ Schaufeli, Bakker, van der Heijden, Prins

⁷ Squiers, Lobdell, FannDiMaio

⁸ Gottman, J. M

در زمینه ضرورت پژوهش حاضر باید به تاثیرات مخرب تعارضات زناشویی اشاره کرد به طوری که تحقیقات نشان داده است تعارضات زناشویی تاثیرات زیان باری بر سلامت جسم، روان و خانواده دارد (فینچام^۱ و بیچ^۲، ۱۹۹۹، فینچام، ۲۰۰۳). همچنین تعارضات زناشویی با پیامدهای مهم در خانواده همانند فرزندپروری ناکارآمد، سازگاری ضعیف فرزندان، افزایش احتمال تعارضات والد-فرزندی مرتبط است (گریش^۳ و فینچام، ۲۰۰۱).

تحقیقات نشان داده است که روابط مشکل دار، منجر به مشکلاتی در سلامتی جسمی و روانی می شود. به علاوه بین مشکلات زناشویی، سطح تعارضات زناشویی، سازگاری زناشویی و نشانه های افسردگی رابطه وجود دارد (بیچ^۴، فینچام^۵ و کاتز^۶، ۱۹۹۸) که هریک از اینها عوامل خطرناکی برای بیماری محسوب می شوند، لذا کیفیت روابط زناشویی پیش بینی کننده مهمی برای سلامتی به حساب می آید (تروکسل^۷، ۲۰۰۶). با افزایش تعارض در ارتباط های زوجی، ناسازگاری افزایش می یابد و نارضایتی بیشتری حاصل می شود و همین مشکلات از مقدمات طلاق و جدایی محسوب می شود (یانگ و لانگ، ۱۹۹۸). این مشکلات پیامدهایی مثل اختلالات اضطرابی (داس^۸، سیمپسون^۹ و کریستنسن^{۱۰}، ۲۰۰۴)، افسردگی (کوین^{۱۱}، تامپسون^{۱۲} و پالمر^{۱۳}، ۲۰۰۲)، ناسازگاری و پرخاشگری کودکان و نوجوانان (جرارد^{۱۴} و بوهرلر^{۱۵}، ۲۰۰۳)، اختلالات قلبی (سالز^{۱۶} و بوند^{۱۷}، ۲۰۰۵) را در بر دارند. از سوی دیگر محققان نشان داده اند که تاثیرات منفی تعارض

¹ Fincham, F

²Beach, S

³ Grish, J.H

⁴ Beach, S.R.H

⁵ Fincham, F.D

⁶Katz, J

⁷ Troxel, W.M

⁸ Doss, B

⁹ Simpson, L

¹⁰Christensen, A

¹¹ Coyne, J

¹² Tompson, R

¹³Palmer, S

¹⁴ Gerard, J.A

¹⁵Buehler, C

¹⁶ Suls, J

¹⁷Bunde, J

(خشم، نفرت، ناراحتی و ترس) در تعاملات زوجین، با میزان خشونت و درگیری مرتبط است (بوک وال^۱، سوبین^۲ و زدانیوک^۳، ۲۰۰۵). این ارتباطات مخرب یا تعاملات منفی بین زوجین منجر به کاهش رضایت در رابطه و افزایش احتمال طلاق می شوند (آماتو^۴، هاهمن-ماریوت^۵، ۲۰۰۷).

با توجه به تاثیرات مخرب فرسودگی زناشویی در امر خانواده و ازدواج پراختن به آن و شناسایی پیشایندهای آن ضرورت چشمگیر دارد. نتایج حاصل از این پژوهش، می تواند چشم اندازی روشن و عملی برای مشاوران و روان درمانگران مخصوصاً زوج درمانگران و خانواده درمانگران فراهم نماید. به علاوه، نتایج پژوهش می تواند مبنای نظری و عملی مناسبی برای کاهش فرسودگی زناشویی در موسسات مختلف آموزشی و درمانی از قبیل مراکز مشاوره در دانشگاهها، کلینیک ها و غیره مورد استفاده قرار گیرد. لذا پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و آزار عاطفی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی ضرورت پیدا نمود.

پیشینه:

امینی و کرمی نژاد (۱۴۰۰) پژوهشی با هدف بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر دلزدگی زناشویی و شفقت به خود زنان تحت پوشش سازمانهای مردم نهاد شهر تهران انجام دادند. این پژوهش از نوع آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه زنان بد سرپرست مراجعه کننده به سمن های شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود؛ که در آن ۳۰ نفر از زنان بد سرپرست تحت پوشش کانون کارآفرینان مهر تهران، به صورت داوطلبانه با استفاده از نمونه در دسترس انتخاب، سپس به طور تصادفی به دو گروه ۱۵ نفر، آزمایشی و گواه تقسیم شدند. شرکت کننده ها، پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز را در دو نوبت پیش آزمون و پس آزمون تکمیل کردند. گروه آزمایش ۸ جلسه درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد دریافت کردند و گروه گواه هیچ مداخله ای دریافت نکرد. داده ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس و با نرم افزار spss نسخه ۲۲ تحلیل شد. نتایج تحلیل کوواریانس برای دل-زدگی زناشویی ($F_{401/28}$) و

¹ Bookwala, J

² Sobin, J

³ Zdaniuk, B.

⁴ Amato, P.R

⁵ Hohmann-Marriott, B

شفقت به خود ($F=457/52$) نشان داد عملکرد زنان بدسرپرست گروه آزمایش با حذف اثر پیش‌آزمون نسبت به گروه گواه تفاوت معناداری وجود داشت ($P>0/001$). میانگین پس‌آزمون دل‌زدگی زناشویی ($47/05 \pm 4/90$) و میانگین پس‌آزمون شفقت به خود گروه آزمایشی ($43/30 \pm 3/31$) مشخص گردید درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد موجب کاهش دل‌زدگی زناشویی و افزایش شفقت به خود در زنان بدسرپرست می‌شود.

نعمتی، منتظری و سلطانی زاده (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی براساس نشخوار فکری و پذیرش و عمل (اجتناب تجربه‌ای) در زنان نابارور انجام دادند. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که بر روی زنان نابارور مراجعه‌کننده به مرکز باروری و ناباروری اصفهان انجام شد. بدین‌منظور ۷۰ زن نابارور واجد شرایط شرکت در پژوهش، با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه دل‌زدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، پرسشنامه نشخوار فکری هوکسما و مارو (۱۹۹۳) و پرسشنامه پذیرش و عمل بوند و همکاران (۲۰۱۱) بود. تحلیل آماری با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. یافته‌ها نشان داد ضریب همبستگی بین نشخوار فکری و پذیرش و عمل (اجتناب تجربه‌ای) با دل‌زدگی زناشویی، مثبت و از لحاظ آماری معنادار است. ($p<0/05$) همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که نشخوار فکری ۶۳ درصد قادر به پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی در سطح ($P<0/01$) می‌باشد.

محمدشارونی، شکری، حسین زاده، تقوایی، دانش و برجعلیه (۱۳۹۹) پژوهشی با هدف الگوی روابط ساختاری تعارض زناشویی در رابطه با سبک‌های دلبستگی و خودشیفتگی و هیجان‌خواهی با دل‌زدگی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره انجام دادند. پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. نمونه آماری را صد زوج تشکیل دادند که پنج سال از ازدواج آنها گذشته بود و در نیمه اول سال ۹۷ به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کردند و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه تعارض زناشویی شنائی و براتی (۱۳۷۹)، هیجان‌خواهی زاکرمن (۱۹۷۹)، سبک‌های دان‌بستگی - نسخه بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰)، سیاه شخصیت خودشیفته راسکین و تری (۱۹۸۸) و دل‌زدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) بود، نتایج نشان داد که میان سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی، خودشیفتگی و هیجان‌خواهی با

تعارض زناشویی و تعارض زناشویی با دزدگی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. با انجام برازش مدل معادله ساختاری و برازش مدل نهایی، شاخص های برازش برابر و به دست آمد که نشان می دهد میلیل قروض با داده ها برازش مطلوبی دارد.

هادیان و امینی (۱۳۹۸) پژوهشی با هدف پیش بینی دزدگی زناشویی بر اساس هوش عاطفی، مهارت های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متأهل دانشگاه آزاد همدان انجام دادند. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد همدان به تعداد ۳۰۲۹ نفر تشکیل داد. نمونه بر اساس فرمول فیدل و تاباچنینگ (۲۰۰۷) ۱۰۷ نفر که به لحاظ احتیاط به ۱۱۱ نفر افزایش و به روش نمونه-گیری طبقه-ای-نسبی تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش چهار مقیاس استاندارد دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، هوش عاطفی کوپر (۱۹۹۶)، مهارت-های ارتباطی کوپین دام (۲۰۰۴) و تعارض زناشویی جونز (۱۹۹۷) بود. تحلیل داده-ها با استفاده از رگرسیون و همبستگی پیرسون تحلیل شد. نتایج نشان داد مقادیر بتا برای متغیر هوش عاطفی معنی-دار است. مقدار بتا در متغیر مهارت-های ارتباطی معنا-دار نیست. رابطه معکوس و معنا-داری بین هوش عاطفی و میزان دزدگی زناشویی دیده می-شود. بین متغیر دزدگی زناشویی و مهارت-های ارتباطی رابطه معنا-داری دیده نمی-شود. بین متغیر دزدگی زناشویی و تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معنا-داری دیده می-شود. بین متغیرهای هوش عاطفی و مهارت-های ارتباطی رابطه مستقیم و معنا-داری دیده می-شود. آزمون معنا-داری همبستگی بین متغیرهای هوش عاطفی و تعارضات زناشویی معنا-دار نیست. رابطه معنا-داری بین متغیرهای مهارت-های ارتباطی و تعارضات زناشویی دیده نمی-شود.

کاظمیان مقدم، مهرابی زاده هنرمند، کیامنش و حسینیان (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دزدگی زناشویی از طریق میانجی گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بودند که از بین آنها، به روش نمونه-گیری تصادفی ساده نمونه ای ۲۵۶ نفری انتخاب شدند. . برای سنجش متغیرهای پژوهش از مقیاس دزدگی زناشویی کایزر، پرسشنامه تمایز یافتگی خود بازبینی شده اسکورن، شاخص ارزشمندی زندگی باتیستا و آلموند، پرسشنامه بخشش رای، پرسشنامه تعارضات زناشویی تجدیدنظر شده ثنایی و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. ارزیابی مدل پیشنهادی با استفاده از

روش تحلیل مسیر انجام گرفت و جهت آزمون روابط غیرمستقیم از روش بوت استراپ (نرم افزار آموس) استفاده شد. نتایج نشان داد که تمام ضرایب مسیرهای مستقیم بین متغیرها، به جز مسیر مستقیم تمایز یافتگی به دزدگی زناشویی، از لحاظ آماری معنی دار بودند. همچنین نتایج نشان داد مسیرهای غیرمستقیم تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دزدگی زناشویی از طریق تعارض زناشویی و رضایت زناشویی معنی دار بودند. در مجموع، نتایج پژوهش نشان داد که به نظر می رسد دزدگی زناشویی پدیده پیچیده ای است که ضمن درگیر کردن بسیاری از زوج ها، از عوامل بسیاری از جمله معناداری زندگی، بخشودگی، تعارض زناشویی و رضایت زناشویی تاثیر می پذیرد.

زارع (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف نقش الگوهای ارتباطی خانواده و هوش معنوی در پیش بینی دزدگی زناشویی زوجین شهر مرو دشت انجام دادند. یافته های پژوهش نشان داد، بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل با دزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین الگوی ارتباطی توقع / کناره گیری و الگوی ارتباطی اجتناب متقابل با دزدگی زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی و مولفه های درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی یا اتکا به هستی درونی با دزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین یافته های تحلیل رگرسیون نشان داد، الگوی ارتباطی سازنده متقابل به صورت منفی و الگوی ارتباطی توقع / کناره گیری به صورت مثبت قادر به پیش بینی دزدگی زناشویی می باشند. مولفه زندگی معنوی یا اتکا به هستی درونی به طور منفی قادر به پیش بینی دزدگی زناشویی می باشد.

شهریاری و عارفی (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف رابطه تعارضات زناشویی با دزدگی زناشویی در افراد متاهل شهر تهران انجام دادند. جامعه آماری پژوهش کلیه زوجین متاهل مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بودند که ۱۵۰ نفر از آنها به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب گردیدند. از پرسشنامه تعارضات زناشویی (براتی و ثنائی، ۱۳۸۷) و پرسشنامه دزدگی زناشویی (پانیز و نانز، ۲۰۰۳) برای جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. از آزمون همسبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام برای تحلیل نتایج استفاده شد. یافته ها نشان داد که از بین مولفه های تعارضات زناشویی، کاهش رابطه جنسی ($r=0/70$)، افزایش واکنش های هیجانی ($r=0/77$)، کاهش رابطه با خوشیاوندان همسر ($r=0/89$)، افزایش رابطه فردی با خوشیاوندان خود ($r=0/87$)، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ($r=0/82$) و نمره کل تعارض زناشویی ($r=0/77$) با دزدگی زناشویی دارای

رابطه معنادار است ($p < 0/001$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تعارضات زناشویی توانایی پیش بینی دزدگی زناشویی را دارد. به طور کلی این یافته نشان می دهد که نقش تعارض زناشویی در پیش بینی دزدگی زناشویی معنادار بوده که لزوم توجه بیشتر به تعارضات زناشویی جهت کاستن از دزدگی زناشویی را برجسته می سازد.

عباسی، رمضانی و جوانمرد (۱۳۹۵) نشان داد بین عملکرد خانواده با مؤلفه های دزدگی زناشویی (جسمی، عاطفی و روانی) رابطه مثبت و مستقیم وجود داشت. بین رضایت زوجین با مؤلفه های دزدگی زناشویی (جسمی، عاطفی و روانی) رابطه منفی و معکوس وجود داشت همچنین این پژوهش نشان داد میزان دزدگی زناشویی در زنان بالاتر از مردان است. بنابراین عملکرد خانواده و رضایت زوجین توان پیش بینی دزدگی زناشویی را دارند.

قربانی نژاد و شمس آبادی (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف رابطه الگوهای ارتباطی زوجین با دزدگی زناشویی انجام دادند. جامعه پژوهش کلیه معلمان متاهل تمام مقاطع سال تحصیلی ۹۳-۹۴ شهر نیشابور بودند. نمونه ی این پژوهش ۳۵۰ نفر (۱۷۵ نفر زن، ۱۷۵ نفر مرد) بود که بر اساس جدول مورگان و به روش نمونه گیری تصادفی ساده برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) (وپرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن، سالآوری (۱۹۸۴) جمع آوری شد. برای بررسی و تحلیل داده ها علاوه بر روشهای توصیفی، از روش رگرسیون (گام به گام) استفاده شد. نتایج نشان داد بین الگوهای ارتباطی زوجین با دزدگی زناشویی رابطه معنا داری وجود دارد.

بابایی گرمخانی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آنها در پیش بینی دزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق انجام دادند. یافته ها نشان داد معیارهای ارتباطی غیر واقعی به طور معناداری با الگوهای ارتباطی دارای رابطه هستند و فقط در یک مورد رابطه معیار مرز و الگوی اجتناب متقابل معنادار نبود. همچنین معیارهای ارتباطی غیر واقعی و الگوهای ارتباطی به طور معناداری توانستند دزدگی زناشویی را در زنان متقاضی طلاق پیش بینی کنند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با افزایش معیارهای ارتباطی غیر واقعی به احتمال بیشتری زنان متقاضی طلاق در الگوهای ارتباطی غیر سازنده گرفتار می شوند و بر عکس. همچنین با افزایش الگوی ارتباطی سازنده متقابل در بین زنان متقاضی

طلاق، آن‌ها دزدگی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. معیارهای ارتباطی غیر واقعی نیز در صورتی که افزایش یابند دزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق نیز بالا می‌رود و برعکس.

ساداتی، مهرابی زاده هنرمند، سودانی، (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف رابطه علی تمایزیافتگی، نورزگرایی و بخشندگی با دزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی انجام دادند. برای این منظور نمونه ای ۳۰۰ نفری از معلمان مرد متاهل مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه مدارس شهر استهبان در این پژوهش شرکت کردند. از شرکت کنندگان خواسته شد به مقیاس دزدگی زناشویی، پرسشنامه تجدیدنظر شده تمایزیافتگی خود پرسشنامه پنج عاملی نئو، مقیاس بخشش و پرسشنامه تعارضات زناشویی پاسخ دهند. نتایج نشان داد که در کل نمونه، تمامی ضرایب مسیر بین متغیرها از لحاظ آماری معنادار شدند. مسیر مستقیم تعارض زناشویی به دزدگی زناشویی معنادار بودند. از سوی دیگر، رابطه غیر مستقیم تمایزیافتگی، نورزگرایی و بخشندگی به تعارض زناشویی نیز معنادار به دست آمدند.

عبادت پور، نوابی نژاد، شفیع آبادی، فلسفی نژاد (۱۳۹۲) پژوهشی با هدف نقش واسطه ای کارکردهای خانواده برای تاب آوری فردی و باورهای معنوی و دزدگی زناشویی انجام دادند. یافته ها نشان داد که کارکرد خانواده، تاب آوری فردی و باورهای معنوی تاثیر منفی و معنی داری در کاهش دزدگی زناشویی داشت. همچنین تاب آوری فردی و باورهای معنوی با واسطه کارکرد خانواده، دزدگی زناشویی را کاهش می دهد. نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر نشان داد که کارکرد خانواده، تاب آوری فردی و باورهای معنوی، دزدگی زناشویی را پیش بینی می کند و مدل از برازش مناسبی برخوردار است. در مجموع نتایج نشان داد که تاب آوری فردی، باورهای معنوی و کارکرد خانواده به طور مستقیم و غیرمستقیم در کاهش دزدگی زناشویی موثر است. اما تاثیر تاب آوری فردی بر کارکرد خانواده در کاهش دزدگی زناشویی بیشتر است.

دیباچی فروشانی و همکاران (۱۳۸۸) پژوهشی با هدف رابطه سبک های دلبستگی و راهبردهای حل تعارض بر رضایت مندی زناشویی زنان انجام دادند. از این جامعه، ۲۵۰ زن متاهل به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و بوسیله پرسشنامه های سبکهای دلبستگی، رضایتمندی زناشویی و راهبردهای حل تعارض مورد آزمون قرار گرفتند. یافته های پژوهش، نشان داد که سبک دل بستگی ایمن و سبک دل بستگی اشتغالی، پیش بینی کننده رضایتمندی زناشویی است. سبک دل بستگی ایمن با رضایتمندی زناشویی، رابطه مثبت و

سبک اشتغالی با رضایتمندی زناشویی، رابطه منفی دارد. همچنین راهبردهای حل تعارض غفلت زن، کلامی شوهر، سو رفتار شوهر و خاتمه دادن، به ترتیب پیش بینی کننده رضایتمندی زناشویی بود به طوری که راهبردهای حل تعارض کلامی شوهر با رضایتمندی زناشویی، رابطه مثبت اما راهبردهای غفلت، سو رفتار شوهر و خاتمه دادن با رضایتمندی زناشویی، رابطه منفی دارد.

اوزکیو و تانریوردی (۲۰۲۱) پژوهشی با هدف تعیین رابطه بین سطح افسردگی و سبک های حل تعارض، سازگاری زناشویی بیماران افسرده و تحلیل سبک های حل تعارض، سازگاری زناشویی بیماران و همسرانشان به عنوان پیش بینی کننده های احتمالی سطوح افسردگی بود. این تحقیق شامل ۱۱۳ بیمار مبتلا به افسردگی اساسی و همسرانشان بود. در حالی که بین نمرات افسردگی و خرده مقیاس سبک های حل تعارض مثبت و تبعی بیماران همبستگی منفی وجود داشت، بین نمره افسردگی و خرده مقیاس سبک حل تعارض منفی همبستگی مثبت وجود داشت. بین نمرات افسردگی و سازگاری زناشویی بیماران همبستگی منفی مشاهده شد. سبک های حل تعارض و سازگاری زناشویی بیماران افسرده و همسرانشان پیش بینی کننده افسردگی در بیماران است.

لیوتکی، هین سل، هرbenick و روسنبرک^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه ای با عنوان تعارض روابط عاشقانه به دلیل همه گیری COVID-19 و تغییر در رفتارهای صمیمی و جنسی در یک نمونه بزرگسالان آمریکایی نشان دادند که از زمان گسترش ویروس کرونا و اقدامات مربوط به فاصله اجتماعی در ایالات متحده، آمریکایی ها در مشارکت های عاشقانه خود، که با تغییر در زندگی صمیمی و جنسی آنها همراه بود، تعارض ها را افزایش داده اند.

ایگنات^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین انواع مختلف تکانشگری با خیانت زناشویی و سازگاری زناشویی در مدل شخصیت و مزاج و شخصیت پرداختند. برای انجام این کار، هفتاد و سه نفر (با و بدون تجربه خیانت) انتخاب و پرسشنامه های مربوطه را اجرا کردند. تجزیه و تحلیل داده ها رابطه معنی داری بین انواع مختلف تکانشگری (عملکردی و ناکارآمد) و خیانت زناشویی نشان داد. همچنین رابطه معکوس بین

¹ Luetke, M., Hensel, D., Herbenick, D & Rosenberg, M

² Ignat, R

خیانت و سازگاری زناشویی مشاهده شد. علاوه بر این، تکانشگری عملکردی، سازگاری زناشویی، تکانشگری ناکارآمد و جستجوی جدید به عنوان پیش بینی کننده برجسته روابط خارج از ازدواج مشخص شد.

دیواس سرین و دنیز^۱ (۲۰۱۶) به بررسی آموزش خانواده بر دزدگی زناشویی زوجین پرداختند. نتایج نشان داد که آموزش خانواده و بهبود عملکرد خانواده موجب کاهش دزدگی زناشویی می شود.

جی یانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و رضایت زناشویی پرداختند. نتایج نشان داد که بین عملکرد خانواده و رضایت زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش اختلال در عملکرد خانواده رضایت زناشویی کاهش می یابد و برعکس.

نلسون^۳ (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین رضایت زناشویی، ابعاد تعارض زناشویی و راهبردهای حل تعارض پرداختند. نتایج نشان داد که هر چه رضایت زناشویی بالاتر باشد تعارضات زناشویی پایین تر است. و بین رضایت زناشویی و راهبردهای منفی حل تعارض رابطه منفی و معنادار و بین رضایت زناشویی و راهبردهای مثبت حل تعارض رابطه مثبت وجود دارد.

هی جونگ و نادین^۴ (۲۰۰۸) در مطالعه ای تحت عنوان تعارضات زناشویی، نشانه های افسردگی و ناکارآمدی زناشویی، به این نتیجه رسیدند که اختلالات زناشویی و ناکارآمدی زوجین به طور مستقیم موجب افزایش افسردگی و اختلالات کارکردی می شود و بر سلامت جسمانی و روانی زوجین تاثیر می گذارد که این عامل نیز بر ناکارآمدی خانواده می افزاید.

بیکر^۵ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی نقش دزدگی در سلامت پرداختند. برای همین منظور دو مطالعه در میان ساکنان معلم هلند و یونان انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رفتار های مخالف دزدگی زناشویی با سلامت روانی و دزدگی زوجین با افسردگی رابطه معناداری دارند. آنها همچنین نشان دادند که دزدگی زناشویی نقش میانجی را در رابطه بین دزدگی کارمندان و سلامت روانی آنها دارد.

¹ Deveci Şirin, H., & Deniz, M. E

² Jiang H

³ Nelson T S

⁴ Heejeong, C. Nadine, F

⁵ Bakker, A. B

وستمن^۱ و بیکر (۲۰۰۸) پژوهشی که در رابطه با دلزدگی انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که دلزدگی در بیشتر روابط صمیمانه و نزدیک اتفاق می افتد. نتایج پژوهش لینگارد^۲ (۲۰۰۴) نشان داد که از میان متغیرهای خانوادگی و شغلی، متغیرهای خانوادگی منبع مهمتری از دلزدگی را تشکیل می دهد.

اهداف:

هدف کلی

پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی، تعارضات زناشویی و آزار عاطفی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی

اهداف جزئی

۱. پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی
۲. پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس تعارضات زناشویی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی
۳. پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس آزار عاطفی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی
۴. پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی
۵. پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس تعارضات زناشویی
۶. پیش بینی فرسودگی زناشویی زنان براساس آزار عاطفی

^۱ Westman, M

^۲ Lingard

فرضیه ها:

۱. می توان فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی پیش بینی کرد.
۲. می توان فرسودگی زناشویی زنان براساس تعارضات زناشویی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی پیش بینی کرد.
۳. می توان فرسودگی زناشویی زنان براساس آزار عاطفی با توجه به نقش تعدیل کننده اجتناب تجربی پیش بینی کرد.
۴. می توان فرسودگی زناشویی زنان براساس الگوهای ارتباطی پیش بینی کرد.
۵. می توان فرسودگی زناشویی زنان براساس تعارضات زناشویی پیش بینی کرد.
۶. می توان فرسودگی زناشویی زنان براساس آزار عاطفی پیش بینی کرد.

تعاریف مفهومی و عملیات متغیر ها

فرسودگی زناشویی

تعریف مفهومی: پاینز و همکاران (۲۰۱۱)، فرسودگی را به عنوان یک حالت خستگی جسمانی، عاطفی و روانی که در شرایط درگیری طولانی مدت همراه با مطالبات عاطفی ایجاد می شود، می دانند. در این تعریف، خستگی جسمانی با کاهش انرژی، خستگی مزمن، ضعف و تنوع وسیعی از شکایت های جسمی و روان تنی مشخص می شود. در حالیکه خستگی عاطفی شامل احساسات درماندگی، ناامیدی و فریب می شود. خستگی روانی به رشد نگرش منفی نسبت به خود، کار و زندگی بر می گردد.

تعریف عملیاتی: منظور از دلزدگی زناشویی، نمره ای است که فرد از مقیاس دلزدگی زناشویی^۱ پاینز (۱۹۹۶) کسب کرده است.

الگوهای ارتباطی

تعریف مفهومی: الگوهای ارتباطی خانواده با طرح واره های ارتباط خانواده براساس این که اعضا چه چیز به یکدیگر می گویند و چه کار انجام می دهند و این که چه معنا و منظوری از این ارتباطات دارند تعریف می شود (کورنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۱). به آن دسته از کانالهای ارتباطی که به وفور در یک خانواده اتفاق می افتد، الگوهای ارتباطی گفته می شود (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر نمره ای است که آزمودنی از پرسشنامه ی الگوهای ارتباطی (CPQ) کریستنسن و سالووی (۱۹۸۴) کسب می کند.

تعارضات زناشویی

تعریف مفهومی: پونتام^۲ تعارض را اینگونه تعریف می کند، تعامل با افرادی که با یکدیگر ارتباط متقابل داشته و در زمینه اهداف اصلی، اهداف فرعی و ارزش ها، بین آنها اختلال، بوجود می آید و افراد دیگر را به عنوان مانعی بالقوه در جهت تحقق اهداف خود تلقی می کنند (کیا کجوری و آقاجانی، ۱۳۸۳).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر نمره ای است که آزمودنی ها از پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ) ثنایی و براتی (۱۳۷۵) کسب می کند.

آزار عاطفی

تعریف مفهومی: آزار عاطفی نوعی خشونت بین فردی است که شامل تمام اشکال خشونت غیر جسمی و پریشانی ناشی از اقدامات کلامی و غیر کلامی می شود (موگلیا^۳، ۲۰۱۵).

^۱ couple burnout measurement (CMB)

^۲ putnam

^۳ Moglia P

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر نمره ای است که آمودنی ها از پرسشنامه آزار عاطفی (EAQ) براهیمی (۱۳۸۸) کسب می کند.

اجتناب تجربی

تعریف مفهومی: اجتناب تجربی سازهای است که به منظور اجتناب از تجارب دردناک و وقایعی استفاده می شود که باعث فراخواندن این تجارب می شوند. همچنین بی میلی نسبت به برقراری تماس با تجارب شخصی شامل ارزیابی منفی افراطی از حس ها، احساسات و افکار خصوصی ناخواسته و فقدان تمایل به تجربه کردن این رویدادهای خصوصی و تلاش های عمادی برای کنترل با فرار از آن ها می شود، این شکل از اجتناب شامل فروتنانی فکر و هیجان، مقابله اجتنابی و ارزیابی مجدد می شود (هرشنبرگ و همکاران، ۲۰۱۹).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر نمره ای است که آمودنی ها از پرسشنامه پذیرش و عمل هیز و همکاران (۲۰۰۴) کسب می کند.

روش:

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری در بر گیرنده همه زنان متاهل درگیر پرونده طلاق ۲۵ تا ۵۵ ساله شهر... خواهند بود. نمونه ها در بر گیرنده افراد متأهلی است که برای اقدام به طلاق کارشان به دادگاه کشیده شده و توسط قاضی به مراکز مشاوره دادگاه ها ارجاع داده شده اند.

حداقل حجم نمونه در مطالعات همبستگی براساس فرمول پلنت ($m8+50 < N$) تعیین می شود. m تعداد متغیرهای پیش بین و N حداقل حجم نمونه را مشخص می کند. با توجه به ۷ مولفه تعارض زناشویی و سه مولفه الگوهای ارتباطی زناشویی، چهار مولفه آزار عاطفی و تک مولفه اجتناب تجربی در این مطالعه حداقل حجم نمونه برابر با ۱۷۰ نفر محاسبه می شود که به جهت افزایش اعتبار آزمون و احتمال ریزش آزمودنی ها تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب خواهند شد. روش نمونه گیری به شیوه در دسترس خواهد بود.

ملاک های ورود به پژوهش:

۱. افراد متاهل
۲. دامنه سنی ۲۵ تا ۵۵ سال
۳. متقاضی طلاق

ملاک خروج از پژوهش:

۱. داشتن مشکل جسمی و روانی خاص؛
۲. نداشتن رضایت برای شرکت در پژوهش

ابزار:

مقیاس فرسودگی زناشویی^۱ (CMB)

مقیاس فرسودگی زناشویی یک ابزار خودسنجی است که برای اندازه گیری درجه فرسودگی زناشویی در بین زوجین طراحی گردیده است. این ابزار توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ ابداع گردید و ۲۱ آیتم مشتمل بر سه جز اصلی از پا افتادن جسمی (مثل: احساس خستگی، سستی و داشتن اختلال خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، احساس در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مثل: احساس بی ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) می شود. تمام این گویه روی یک مقیاس هفت امتیازی پاسخ داده می شوند. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر است (پاینز، ۱۳۸۱).

جدول ۱. مولفه ها و سوالات پرسشنامه فرسودگی زناشویی

مولفه ها	سوالات
خستگی جسمی	۱-۴-۷-۱۰-۱۳-۱۶-۲۰
خستگی عاطفی	۲-۵-۸-۱۲-۱۴-۱۷-۲۱

^۱ -Couple Burnout Measurement

روایی^۱ و پایایی^۲ ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دزدگی زناشویی نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ است. روایی به وسیله همبستگی های منفی با ویژگی های ارتباطی مثبت به تایید رسیده است مانند: نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آنها. نسخه های ترجمه شده CBM به طور موفقیت آمیزی در مطالعات بین فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال، فنلاند و اسرائیل استفاده شده است (پاینز، ۱۳۸۱). همانطور که مشاهده می شود CBM از همسانی درونی و ضریب پایایی بالا و رضایت بخشی برخوردار و جهت اندازه گیری میزان دزدگی زناشویی مناسب است. ضریب اطمینان آزمون - بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دو ماهه، و ۰/۶۶ برای دوره چهارماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد، که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز، ۱۳۸۱).

در ایران نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در مورد نمونه ۲۴۰ نفری، ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه گیری کرد که مقدار آن ۰/۸۶ شد. در پژوهش ادیب راد و ادیب راد (۱۳۸۴) نیز ضریب اطمینان آزمون-باز آزمون، ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دو ماهه و ۰/۶۶ برای یک دوره ۴ ماهه به دست آمد. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی ها با ضریب آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود. همچنین روایی همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه تعارضات زناشویی مناسب ($r=0/51$) بوده است (مهدویان فرد، اصغری ابراهیم آباد و قناعت باجگیرانی، ۱۳۹۳).

پرسشنامه ی الگوهای ارتباطی (CPQ)

¹ Validity

² Reliability

این پرسشنامه توسط کریستنسن و سالووی^۱ (۱۹۸۴) در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۵ سؤال دارد و رفتارهای زوجین را در طی سه مرحله تعارض زناشویی برآورد می کند. این مراحل عبارتند از: الف) زمانی که در روابط زوجین مشکل ایجاد می شود. ب) در مدت زمانی که درباره مشکل ارتباطی بحث میشود. ج) بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی زوجین هر رفتار را روی یک مقیاس ۹ درجهای لیکرت که از ۱ (اصلاً امکان ندارد) تا ۹ (خیلی امکان دارد) درجهبندی می کنند. این پرسشنامه از سه خرده مقیاس تشکیل شده است: ۱- مقیاس ارتباط سازندهی متقابل، ۲- مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل، ۳- مقیاس ارتباط توقع کناره گیری ارتباط توقع / کناره گیری از دو بخش تشکیل شده است: مرد متوقع زن کناره گیر و زن متوقع / مرد کناره گیر (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳).

نتایج پایایی کریستنسن و هیوی^۲ (۱۹۹۰) نشان داد که آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهشهای این محققان روی پنج خرده مقیاس پرسشنامه ی الگوهای ارتباطی (CPQ) از ۰/۴۴ تا ۰/۸۵ گزارش شده است، که نتایج رضایت بخشی است. علاوه بر این، نتایج پایایی (۱۹۹۴) بر روی آزمودنیهای سوئسی و آلمانی نیز رضایت بخش است. آلفای کرونباخ به دست آمده در پژوهش این محققان بر روی مقیاس ارتباط سازنده متقابل بین ۰/۷۴ تا ۰/۷۸ گزارش شده است. در ایران عبادت پور (۲۰۰۰) پرسشنامه می فوق را هنجاریابی کرده و ضرایب همبستگی به دست آمده برای سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل و ارتباط متوقعا کناره گیری به ترتیب عبارتند از ۰/۵۸، ۰/۵۸، ۰/۳۵ بود که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی دار بودند. برای تعیین پایایی پرسشنامه، همبستگی درونی در مورد خرده مقیاسهای این پرسشنامه محاسبه گردیده و ارقام به دست آمده به ترتیب عبارت بودند از: سازندهی متقابل ۰/۵۰، اجتنابی متقابل ۱۰۵۱ مرد متوقع زن کناره گیر ۰/۵۲ و زن متوقع / مرد کناره گیر ۰/۵۵ (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۳).

پرسشنامه تعارضات زناشویی (MCQ)

این پرسشنامه توسط ثنائی و براتی (۱۳۷۵) ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۴۲ سؤال است که هفت حیطه تعارض زوجین: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش هیجانی، افزایش رابطه با اقوام خود، کاهش رابطه با اقوام همسر، جداکردن امور مالی از همدیگر، افزایش جلب حمایت فرزند و کل

¹ Christensen&salaway

² Christensen & Heavy

تعارض زناشویی را بررسی می کند(به نقل از ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). مولفه ها و سوالات هر یک از مولفه ها در جدول ۲-۳ آورده شده است.

جدول ۲-۳. مولفه ها و سوالات پرسشنامه تعارض زناشویی(ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷)

مولفه ها	سوالات
کاهش همکاری	۳، ۹، ۱۹، ۲۱، ۲۷
کاهش رابط جنسی	۴، ۱۰، ۱۵، ۲۸، ۳۳
افزایش واکنش های هیجانی	۵، ۱۱، ۱۶، ۲۲، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۱
افزایش جلب حمایت فرزند	۷، ۱۸، ۲۴، ۳۱، ۳۶
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۶، ۱۲، ۱۷، ۲۳، ۳۰، ۳۵
کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	۱، ۱۹، ۲۵، ۳۷، ۴۰، ۴۲
جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۲، ۸، ۱۳، ۲۰، ۲۶، ۳۲، ۳۸

نمره گذاری. نمره گذاری این ابزار به این صورت است که برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. حداکثر نمره هر خرده مقیاس مساوی با تعداد سوالهای آن خرده مقیاس ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است (به نقل از ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷).

پایایی و روایی. پرسشنامه تعارض زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل مواد آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاس های آن، ۱۳ سوال از ۵۵ سوال اولیه حذف شده است. در پژوهش خزایی (۱۳۸۵) نمرات تمامی مولفه های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی معناداری داشتند (به نقل از ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). براتی (۱۳۷۵) در تحقیق خود برای اعتبار پایایی پرسشنامه تعارضات زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده که نمرات برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ و برای مولفه ها به قرار زیر است: کاهش همکاری ۰/۳۰، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، افزایش واکنش های هیجانی ۰/۷۳، افزایش جلب حمایت

فرزندان ۰/۶۰، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۴، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۵، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱. دهقان (۱۳۸۰) در تحقیق خود برای هنجاریابی پرسش نامه تعارضات زناشویی یک گروه ۳۰ نفری بررسی انجام داده و از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت مولفه آن به ترتیب کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹. سودانی و همکاران (۱۳۸۸) ضرایب همسانی درونی آلفای کرونباخ برای مقیاس تعارضات زناشویی ۰/۹۳ و هر کدام از خرده مقیاس های آن به شرح زیر بوده است: کاهش همکاری زوج ها ۰/۸۵، کاهش رابطه جنسی ۰/۹۰، افزایش واکنش های هیجانی ۰/۹۲، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۸۲، افزایش روابط شخصی با خویشاوندان خود ۰/۹۰، کاهش رابطه خانوادگی با خانواده همسر و دوستان ۰/۸۷، و جدا کردن امور مالی ۰/۹۵ بوده است و نتایج بدست آمده نشان می دهد که پرسشنامه تعارضات زناشویی از همسانی درونی بسیار خوبی بین ماده های پرسشنامه برخوردار می باشد.

پرسشنامه آزار عاطفی (EAQ):

این پرسشنامه توسط براهیمی (۱۳۸۷) ساخته شده است. هدف این مقیاس سنجش میزان آزار عاطفی در زوجین است. این پرسشنامه ۴ خرده مقیاس آزار عاطفی را می سنجد که عبارتند از: آزار کلامی - انتقاد، غفلت - کناره گیری، سلطه گری و محدودیت اجتماعی. مقیاس آزار عاطفی ۸۰ سؤال دارد و در یک طیف پنج درجه ای از یک تا پنج به صورت زیر نمره گذاری شده است: هرگز (۱)، بندرت (۲)، گاهی (۳)، اکثراً (۴) و همیشه (۵). حداقل نمره ای که آزمودنی می تواند در این پرسشنامه کسب کند ۸۰ و حداکثر ۴۰۰ است. نمره پایین نشان دهنده عدم آزار عاطفی و نمره بالا نشان دهنده آزار عاطفی بیشتر است. برای بدست آوردن روایی این سازه، پس از گردآوری ماده سؤال ها از منابع مختلف، بر اساس مؤلفه های اصلی، از روش تحلیل عاملی، استفاده شده است که بر پایه نمودار شنواره و مقادیر ارزش های ویژه، چهار عامل بدست آمد که به طور کلی، ۵۱ درصد از واریانس کل را تبیین می کنند. روایی همگرا و واگرایی این پرسشنامه به ترتیب از طریق همبستگی با پرسشنامه رضایت زناشویی ۰/۸۵ و تعارض زناشویی ۰/۶۸ تعیین شده است که در سطح

معنادار است. همچنین روایی محتوایی و روایی سازه آن نیز تأیید گردیده است و مبین روایی مناسب این مقیاس می باشد. قابلیت اعتماد بازآزمایی آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای ۳۵۵ آزمودنی ۰/۹۸ بدست آمده است و برای هریک از خرده مقیاس ها از این قرار است: آزار کلامی - انتقاد ۰/۹۷، غفلت - کناره گیری ۰/۹۳، سلطه گری ۰/۹۰ و محدودیت اجتماعی ۰/۸۹.

پرسشنامه پذیرش و عمل

پرسشنامه پذیرش و عمل در بطن درمان پذیرش و تعهد توسط هیز^۱ و همکاران (۲۰۰۴) به عنوان ابزاری برای اندازه گیری اجتناب تجربی و انعطاف ناپذیری روان شناختی ساخته شد. این ابزار در نسخه های ۱۶، ۴۹ و ۹۰ سوالی ساخته شده و ابزار مفیدی برای ارزیابی اجتناب تجربی و پیامدهای درمان پذیرش و تعهد را حساب می آید (بوند^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). نسخه ۱۰ سوالی پرسشنامه پذیرش و عمل برای حل مشکلات مربوط به ضعف ویژگی های روان سنجی نسخه های مختلف آن ساخته و اعتبار یابی شد. این مقیاس، اجتناب تجربی را در مقیاس لیکرت ۷ نقطه ای از ۱ (هرگز درست نیست) تا ۷ (همیشه درست است) اندازه می گیرد. سوالات ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹ نمره گذاری وارونه دارند. نمره بالا روی AAQ-2 نشان دهنده اجتناب تجربی بیشتر است در حالی که نمره پایین نشان دهنده پذیرش و عمل بیشتر است.

روایی و پایایی. مشخصات روان سنجی نسخه اصلی بدین شرح است: نتایج ۲۸۱۶ شرکت کننده در طول ۶ نمونه نشان داد که این ابزار پایایی و روایی سازه ی رضایت بخشی دارد. میانگین ضریب آلفا ۰/۸۴ (۰/۷۸ - ۰/۸۸) و پایایی بازآزمایی در فاصله ۳ و ۱۲ ماه به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد. نتایج نشان داد که پرسشنامه پذیرش و عمل نسخه دوم به صورت همزمان، طولی و افزایشی دامنه ای از نتایج از سلامت ذهنی تا میزان غیب از کار را پیش بینی می کند که همسان با نظریه زیربنایی اش است. این ابزار همچنین اعتبار تمیزی مناسبی را نشان می دهد (بوند^۳ و همکاران، ۲۰۰۷). بوند و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند نسخه ۱۰ سوالی این پرسشنامه پایایی ثبات درونی (۰/۸۴) و بازآزمایی (I=۰/۸۱ در سه ماه و I=۰/۷۹ در ۱۲ ماه) و اعتبار سازه بالایی دارد. این پژوهشگران گزارش کردند نمرات بالاتر در این پرسشنامه با علائم افسردگی، اضطراب و

¹ Hayes S

² Bond FW

³ Bond, F. W

استرس، سرکوب افکار و آشفتگی روان شناختی همبسته می باشد. پایایی این آزمون در پژوهش بشیر پور، شفیع، عطاپور و نریمانی (۱۳۹۴) ۰/۷۸ به دست آمد. عباسی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند تحلیل عاملی اکتشافی ۲ عامل اجتناب از تجارب هیجانی و کنترل روی زندگی را گزارش دادند. همچنین همسانی درونی و ضریب تصنیف پرسشنامه در هر چهار گروه رضایت بخش بود (۰/۷۱-۰/۸۹). به علاوه، اجتناب تجربی از هیجان با نشانه های افسردگی و اضطراب، مشکل در تنظیم و شاخص های ناراحتی در پرسشنامه سلامت روان رابطه معنی داری نشان داد. همچنین، نتیجه روایی افتراقی نشان داد عامل اجتناب از تجارب هیجانی در دو گروه بالینی و غیر بالینی تفاوت معنی داری دارد، ولی عامل کنترل روی زندگی تفاوت معنی داری در دو گروه نشان نداد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

جهت تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده توسط ابزار های فوق، از شاخص های و روش های آمار توصیفی برای بدست آوردن فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد، و خطای استاندارد داده ها استفاده شده است؛ و سپس از آمار استنباطی برای بدست آوردن ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه و رگرسیون میانجی گر و تحلیل واریانس به کمک نرم افزار spss-21 به کار گرفته خواهد شد.

منابع فارس

[دانلود فایل کامل این پروپوزال به همراه منابع لاتین و فارسی WORD + PDF](#)